



کرد نبود. شاید ما الان به این راحتی مسافرت نمی کردیم. جای تعجب داشت! داستان های کلاس های درس تاریخ ما اگه درست بود، پس بزرگ ترهامون چی می گفتن؟! با گذشت زمان و بزرگ شدن ما و فاصله گرفتن از واقع انقلاب، منابع اطلاعات دربار دوران گذشته و وضعیت ایران طی قرن اخیر پیش تر شد. حالا دیگه آگاهی ما فقط در حد داستان های کتاب های تاریخ دوران مدرسه نیست. کلی کتاب و مقال معتبر پیدا کردیم دربار اون برهه از تاریخ ایران. کشورهایی مثل روسیه و انگلیس که در دوران قاجار و به خاطر مناسبت های مختلف در ایران قدرت پیدا کرده بودن، سندهای محرمانه و مدارک شون دربار این دوران تاریخی و سرنوشت ساز از کشورمون رو رفته رفته منتشر کردن و در اختیار محققان و تاریخ نویسان مختلف قرار دادن. دنیای رسانه ها و شبکه های متنوع رشد و گسترش پیدا کرده و امکان

ایران همیشه با صفت های بد و منفی ای مثل ثروت اندوز، آجنبی پرست، خون خوار، ستم گر، ظالم و یا عروسک خارجی ها و... توصیف می شدن، انسان هایی که توی داستان های مدرسه، در سرینندی کشور و سرزمین و مردم سرزمین شون، نقشی نداشتن و تازه همیشه هم ضدش عمل کرده بودن. در این کتاب های درسی رضاشاه پهلوی و پسرش محمدرضا شاه، خب از هم شاه های ایران بدتر و منفی تر تعریف شده بودن و قصه شون گفته شده بود. در صورتی که وقتی توی همون سن و سال یا حتی وقتی بچه تر بودیم، به سفر می رفتیم، مامان و باباهامون یا بزرگ ترهای فامیل، هی طی مسیر، به راه ها، راه آهن یا پل های عظیم و تونل های بزرگی که همه ساخت دور رضاشاه پهلوی بود اشاره می کردن. بزرگ ترها همیشه با همون لحن بزرگونه شون می گفتن که اگه رضاشاه و کارهایی که برای ایران

تاریخ برای اغلب آدم ها جالب و جذابه. چون مثل قصه ها و داستان ها تعریف و بازگو می شه. به خصوص وقتی به سرزمینت و جایی که توش به دنیا اومدی مربوط باشه. قصه ای پر از شخصیت های مختلف با عمل کردهای بد و خوب، شجاعانه یا بزدلانه، میهن پرستانه یا خانثانه شون که هرچی که بوده سرنوشت سرزمین ما رو رقم زده و برگی از تاریخ رو ورق. اما همون طوری که شکل گرفتن به داستان و شخصیت های اون، خیلی به نویسنده یا گویند اون وابسته ست، تاریخ و آدم های اون هم با دنیایی که تاریخ نویس برات می سازه، شکل می گیره. برای هم سن و سالان ما، یعنی کسانی که کمی قبل یا بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به دنیا اومدن اولین قصه ها و کتاب های تاریخی، تو کلاس های درس و مدرسه شکل گرفت، جایی که شاهان کشورمون، به خصوص شاهان دو قرن اخیر

## چکمه های رضاشاه

دست‌رسی به اطلاعات دقیق‌تر و فراهم کرده...

پنا بر این دیگه می‌شد به تصویر در آوردن زندگی و عمل کرد یکی از بحث برانگیزترین پادشاهان ایران زمین فکر کرد. امکانش فراهم بود که با استفاده از مستندات و منابع اطلاعاتی معتبری که در اختیار داشتیم، دربار یکی از پرابهام‌ترین بخش‌های تاریخ ایران معاصر تحقیق کنیم و مستندی تلویزیونی بسازیم.

ضمن این که آرشیو روزنامه‌ها و مجلات قدیمی و عکس و فیلم‌های بسیار ارزشمند شبکه من و تو رو هم داشتیم. صفحه‌های روزنامه‌هایی قدیمی و مربوط به سال‌های ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ و هم‌زمان با اشغال ایران توسط نیروهای شوروی و انگلیس و تبعید رضاشاه با ورق‌زدن روزنامه‌ها و مجله‌ها، هرچی از سال‌های اوایل قرن فاصله می‌گرفتیم و به سال‌های وزارت، نخست‌وزیری و بعد هم انقراض سلسله قاجار و رسیدن به پادشاهی رضاشاه می‌رسیدیم، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران بهتر و بهتر می‌شد.

تنها به عنوان یک نمونه، زنان ایرانی که تا پیش از روی کار آمدن رضاشاه، حتی در معابر و سطح شهرهای ایران کم‌تر دیده می‌شدن و اجازه فعالیت در اجتماع و بسیاری کارهای دیگه رو نداشتن، در این دوران صاحب حقوق شدن و کانون بانوان ایران تأسیس شد و حتی ردپای این جنبش زنان در صفحات مجلاتی که در آرشیو شبکه پیش روی ما بود، دیده می‌شد.

پیش‌رفت‌های ایران در هر زمینه و جنبه، طی این دوران زیاده و قابل بحث و بررسی. از طرف دیگه وارونه

نمایش دادن اتفاق‌ها و روایت‌های تاریخ ایران معاصر در کتاب‌های تاریخی چاپ‌شد بعد از انقلاب در داخل ایران، به قدری هست که هر آدم منصف و علاقه‌مندی رو وسوسه کنه تا به صرافت تحقیق و نمایش اون‌چه که به واقعیت نزدیک‌تره بیفته.

بالاخره این امری کاملاً طبیعی‌ه که تاریخ رفته‌رفته در گذر زمان صیقل بخوره و طی تفسیرها و بازگویی‌های مختلف تعدیل بشه. به هر حال مای تأسف و حسرت خورنده که تمام جهان، به مشاهیر و بزرگان تاریخی‌شون، فارغ از هرگونه اختلاف سیاسی و مذهبی، به عنوان یک انسان نگاه می‌کنن و نه مثل کتاب‌های تاریخ دوران ما دیو و فرشته. انسانی که مثل هر آدمیزاد دیگه‌ای امکان خطاها و اشتباه‌های انسانی رو هم داره و فقط طی گذر زمان کارنامه و عمل‌کرد او برای میهن و سرزمینش مشخص و معلوم می‌شه.

دکتر صادق زیباکلام در برنامه‌ای جنجالی که اتفاقاً از صدا و سیما جمهوری اسلامی داشت پخش می‌شد، بالاخره طاقت نیاورد و گفت: «ما این ایران فعلی رو که می‌شناسیم، همین ایران روی نقشه و با تمام متعلقاتش رو مدیون دو چیزیم؛ یکی شمشیر آغا محمدخان قاجار و دیگری چکمه‌های رضاخان.» (نقل به مضمون)

شما یل تاریخی ایران معاصر که به جای اون‌که در کشور ما، هم‌ردیف مشاهیر سیاسی بزرگ جهان که سرنوشت سرزمین‌شون رو در سخت‌ترین شرایط کشور تغییر دادن (مشابه کاری که آتاترک در ترکی نوین انجام داد و یا نقشی که لینکلن بر سرزمین امریکا برجای گذاشت) قرار بگیره، مقبره‌اش در اولین روزهای بعد انقلاب توسط نیروهای انقلابی تخریب شد و از بین رفت.